آوای دریا

۲۲۴۳۷۳۴
۲۲۴۶۳۸۴

قابل توجه شرکت توزیع برق

به عنوان یک شهروند از شرکت توزیع برق انتقاد دارم حدود ۳۰ سال است که هر سال در این موقع از سال شاهد قطعی برق هستیم و همیشه شرکت توزیع برق توجیه می کند که شبکه برق فرسوده است ، آیا واقعا راه حلی برای این موضوع وجود ندارد اگر هر سال یک منطقه شبکه آن را نوسازی می کردند الان این مشکلات نداشتیم .

یک شهروند

قابل توجه مسئولین اداره برق

طی چند روز اخیر محله طلائیه با قطعی های مکرر برق روبرو بوده است که با توجه به گرمی بیش از حد هوا این وضعیت چندان قابل تحمل نمی باشد از مسئولین اداره برق خواهشمندیم با تلاش جدی تر در ساماندهی به وضعیت برق این محله اقدام نمایند.

یکی از اهالی

عطر بال پروانه ها

لحظه ها غرق نور . ثانیه سرشار سرور ، تابیده آفتاب گرم عشق ،سرما زتن زمین پریده اینک دوباره نسیم وزیده ، بهار ز پیچ زمان رسیده ، در خانه گلین فاطمه آسمان خندیده ،چشمه ناب عسل جوشیده ،با نغمه گل محمدی عالم رقصیده .

مدینه اکنون بی قرار ، دلداده و مست وار ، گه دارد هلهله از فرط شادی ، گاه پای کوبان می خواند آوازی ،قمری و یاس و ترانه ، نقل و نبات در دست به هر خانه ، ،سپیده به روبوسی سپیدار، باران گلاب به رگبار ، دروازه بهشت گشوده ،نورسته گلی ستوده ، لبخند مهر بر لب ،مانند چلچراغی درشب ،با زمزمه تسبیح صبح دم ، بابدرقه فرشتگان هردم ،سحر وفسون غم شکسته ، اندوه و غباررخت بر بسته ، از ایل شقایق از قافله رازقی ها ، پا نهاده به جهان سردسته عاشقی ها ، آن شمع فروزان نجابت ،رودخانه سبز سخاوت ،رخشان تر ز هر روشنایی، پاکیزه تر از شبنم صبحگاهی ،محبوب تر از محبوبه های دنیایی ،قله برکشیده بر جان ،بیت الغزل رسم مردان .

آینه سالار منظومه خاکی ،رسم الخط ایثارگری و پاکی ،آن سومین سوره درخشان ،ترجمه همه فهم قرآن ،داستان بلند ایثار ، قامت رعنای ، آبشار ،خوشبوترین یاس زهرایی،مجموعه ناب شیدایی ،آهنگ متن آفرینش ،دستور آئین خیزش سلسله جنبان عرش الهی ، نقطه اختتام هر سیاهی ،فرمانده نیلوفران جانباز ،فرمانداری عاشقان سربار، رمز ورود شب زنده داران ،دستور العمل نمازگزاران . عطر بال پروانه ها منتشر ،یک دسته کبوتر منتظر ،گلبرگ نیایش ورق خورده ،از یک یک خاکیان دل برده ،پیشوای خوبان هستی ، نی نامه رازهای مستی ،آن شهره شهر عشق ورزان ،فرهاد کوی سرافرازان، آوای شکر خند چنگ نوازان . مضمون ناب دلبازان رایحه مشک بیزگلزاران .یا حسین (ع): قبله گاه انس تو اقیانوس تبرک و کربلایت سقای عطش تاریخ است . بارگاه نورانی ات زیارتگاه رندان جهان و پرورشگاه آزادگان است .ای مولای لاله ها و مقتدای شمشادها وسردار صنوبر ها و ضمیر زلال قاصدک ها ، ای عطوف تر از احساس و صمیمی تر از نازخند غنچه ها ما وهمه دوستدارانت را دریاب.

سیدرضا هاشمی زاده

در آیینه شهر

با چشمان غیر مسلح!

شهروندانی که این روزها با پائیدن جلوی پای خویش و یا حتی بی حواس و سر به هوا در سینه برخی از پیاده روهای بندرعباس قدم می گذارند از جابجایی و تکانه ولق ولوق سنگفرشهای تازه نصب شده و موزائیکهای نقش و نگار دار زیر پایشان در شگفت می شوند .

پیاده روهایی که احتمالاً با هزینه بالا و صرف میلیاردها ریال بودجه از گرده عوارض شهری ساماندهی شده اند . نمونه بارز آن در خیابان ایثار (اتوبوسرانی) حوالی تعمیر گاه مجاز سایپا قابل مشاهده است و نمونه های دیگر در خیابان دانشگاه .موزائیکهای پیاده رو بدون هیچگونه ملات و ماده نگهداری به حال خود رها شده اند و به عبارت ساده تر سر هم بندی شده و برای رقم خوردن صورت حساب های صوری میلیونی روی کف پیاده روها نقاشی شده اند .موزائیکهای نامرغوب با روش بکارگیری اهمال کارانه چند صباحی بعد شکسته و از بین رفته اند چنانکه در خیابان ایثار (اتوبوسرانی) و در همان حوالی منطقه پیش گفته به علت لطف و مرحمت بساز وبفروشان آن سوی خیابان و تبدیل پیاده رو به کارگاه ساختمانی و انباشت میلگرد و آهن و مصالح دیگر ، همان موزائیکهای نیم بند سیاهکاری شده هم به تمامی شکسته ، خورد شده عنقریب است که پروژه میلیونی نان و آب دار دیگری را بطلبد در پیاده روهای حوالی چهار راه خیابان دانشگاه آزاد نیز همین وضع با چشمان کاملاً غیرمسلح قابل مشاهده است و نیاز به دستگاهها و ابزار آلات فنی و پیچیده و ریزمیکروسکوپ های گران قیمت برای کندوکاو نیست.

چنین روزگار و حال و روز زار و نزاری در برخی پیاده روها و سنگفرش چینی های جدید تعداد دیگری از خیابانها هم مشاهده می شود که علاوه بر اتلاف دهی سرمایه گذاری عمومی و مردمی ،شبهه برانگیز و پرسش زاست که آیا نظارتی بر کار پیمانکاران و دست اندرکاران اجرایی چنین پروژه هایی صورت نمی گیرد؟ پاره ای آسفالت های انجام شده تعدادی از کوچه و معابر هم بیشمار به قیر پاشی عجولانه و توام با دستپاچگی همراه است که بیشتر به "آسفالت بازی" یا "بپاش و در رو" شباهت دارد تا پروژه ای برای آسایش،رضایت و خرسندی ساکنان و شهروندان . این میانه ،جای سازمانها و آدمهای جورواجور نظارتی،بازرسی و... بدجوری خالی است؟

از نصرت : برای فراز

با یک قلب نمی توان دو معشوقه داشت !!

فراز

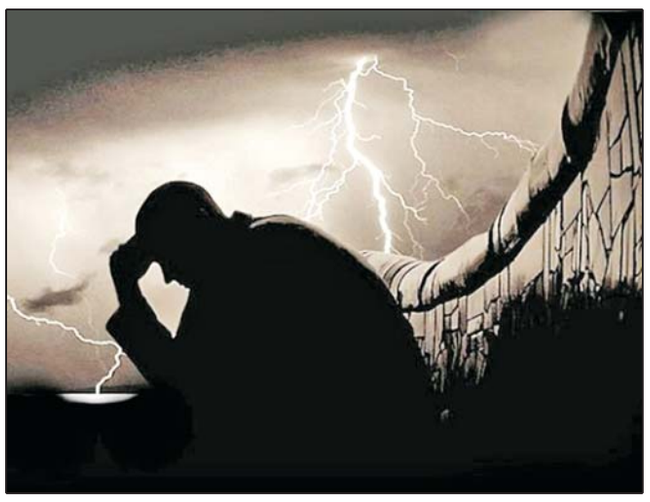

میخانه دگر جای من بی سرو پا نیست

بگذار که پشت در میخانه بمیرم

در اطاقم را نه بهتر است بگویم باز در تابوتم را بستم و در کنار پنجره نشستم . تک ، تک برگهای کهنه درختان که از ساقه خشک و پیر خود جدا می شوند و روی زمین شنی میافتند را تماشا می کنم. برگهای سیاه و سپید دفترچه سرنوشت من بدست تند بادهای وحشتزده اندوهگین زمان ورق می خورند، شب و روز می شود ، باز شب می شود و باز روز . دیگر من به آنچه که شد بیاندیم و نه به آنچه که خواهد شد.

راه زندگی من به راهی که گاو اعصاری با چشم های بسته طی می کند و شب و روز سنگ سخت عظیم آسیائی را می گرداند و بگرد خود می نگرد بی شباهت نیست . تنها اختلاف بین من و آن گاو در آن است که از زحمت و تلاش او دیگران بهره برداری می کنند در حالیکه از زحمت عبث من نه کسی ثمر می برد و نه خودم .

غروب کشنده خانه من ، پررنگتر می شود . کم کم شب می آید تاریکی مقدس همه چیز را از چشم من پنهان خواهد کرد. شب من ! شب دردناک من شروع می شود و من چون خفاش از خانه ام بیرون خواهم رفت و زندگی بیهوده خود ، پیاده روی در خیابانهای متروک آغاز خواهم کرد. من از پول زن متنفرم، بیزارم ، پول زن فقر می آورد ، حقارت می آورد، کثیف می کند خصوصا آنکه آن پول ، پول مادر بدبختم باشد. برای یک مرفینی که در روز لااقل پانزده هزار تومان خرج دارد، چه می توان کرد و چه باید کرد؟ !

اینهم دردیست در زمانیکه هنوز مواد مخدر حکومتش بروی اعصاب آغاز نشده و هنوز اول کار است. مصرف کننده می پندارد که با این وسیله می توان آزادتر زیست و از علاقه های دیگر زندگی گسست ولی بعد از مدت کوتاهی می فهمد چه اشتباه بزرگی کرده است و چه زنجیری ناگسستنی را بپای خود و پلیدیهای زندگی بسته است و برای رهائی از چاله ها خود را در ته چاه عمیقی سرنگون کرده است.

بگذریم کسی که مرا بدین روز سیاه انداخت فقر عقلانی خودم و وسوسه زن شیطان صفتی است که فعلا ثروت بیکرانش پرده ای بروی پلیدیهایش افکنده است. امروز همه چیز دارد. همه آن چیزهائی را که من و چند صد هزار نفر مثل من فروخته ایم تا هیچ را بخریم و فعلا چون زمان خاموشان است و او ازآنچه که دارد نمی تواند شهوت شهرت خود را فرو نشاند به همه درها می زند و هر روز صدها نفر جوان و نوجوان را در شهرمان بکام نادرویشانه رذالت می کشاند.

باری چه باید کرد؟ این روزها همانطور که ماشینهای آخرین سیستم و کاخهای بزرگ و تابلو فرشهای گرانبها و عددهای درشت و حسابهای بانکی و... علامت بزرگواریست . شعرگویی نیز لازمه آنها ست و این زن تا آنجا که من فهمیده ام کالا ی مورد نیازش را نوجوانان و جوانان یافته است و دلیلش چکی بود که چند شب پیش در جیب من پیدا شد.

چند شب پیش بود و به من که درآن لحظه احتیاج مبرمی به پول داشتم مربوط نبود که درمقابل چه چیز آن پول را گرفته ام و درهای بانک چه ساعت فردا باز خواهد شد؟ آری چند شب پیش بود که به چندین نفر برای خرد کردن چک مراجعه کردم، آخرهای شب بود که در کار خود موفق شدم. من می رفتم دیشب میرفت بهر که می شناختم همه رفته بودند و من لحظه به لحظه خراب تر می شدم. سوز و سرما بیشتر رگها، سلول های تشنه مرا تحریک می کرد، از چشمهایم آب بروی گونه ام می ریخت که اشک نبود ولی مزه شورش را با گونه های آتش گرفته ام حس می کردم، پشتم تیر می کشید و لرزهای ناآشنائی مرا می گرفت و رها میکرد. فروشنده ها پس از خالی کردن جیبهای آلودگان سیاه بخت دیگر بسوی خوش گذرانی خود رفته بودند و من سرگردان و در بدر از این کوچه به آن کوچه ، از این خیابان به آن خیابان میدویدم و همه جا با کلمه « نیست » و « نه » روبرو می شدم . دیگر سپیده دمیده بود که من بیجان و درهم شکسته بدرخانه آخرین فروشنده ایکه می شناختم رسیدم.در کوفتم و نام آشنای خود را گفتم تا در آن هنگام سحر نترسد. مرد فروشنده با تلخی و ناراحتی مرا پذیرفت ، وقتی هم پولهایم را در کف دستش گذاشتم و از در زدن بی هنگام معذرت خواستم، با لحن ستیزه جویانه ی نگاهی به پولها افکند و گفت:

– خلاصه چون شما بودین این موقع در را باز کردم.

من می لرزیدم ، حس می کردم حیوان وحشتناکی در سینه ام زندگی می کند که گرسنه است و اگر من زودتر باو غذا یش را نرسانم قلبم را خواهد جوید دست هایم می لرزید، سوراخ های بدن سوز سرمای گرسنگی رگها را می مکیدند رگهایم چون مفتون آهنین شده بود.

کنار در یک خانه یک لیوان یکبار مصرف که چند قطره آب درون آن بود دیدم ، نمیدانم آب بود ، چی بود ، سرنگ کثیف را از جیبم درآوردم و بسته گرد را با آب لیوان محلول کردم و... فراموشی مقدس.

یک لحظه کنار آن در خانه نشستم ، احساس کردم همه دردهای یخ بسته بدنم آب می شوند و از لای ناخنها از کنار لثه دندانها ، از پایه موهایم خارج می شوند. سگ های ولگرد ، اطرافم جمع شده بودند و تن گرم خود را به پاهای من می مالیدند ولی من با نوک کفش آنها را با خشم از خود می راندم پاسخ محبت های آنها را با لگد می دادم. با خود می اندیشم دیگر ... عشق و محبت ، عاطفه در من مرده . بیزارم ، متنفرم حتی از مهربانی های این همراهان شبهای سیاه ، این سگهای ولگرد ، عشق شور انگیز و مهر سوزان او یادم می آید.

او ... که در یک شب مهتابی با من وداع کرد چه خوب شد که رفت ، اگر می ماند... آه ... قصه ای دردناک تر از این داشتم . در اندوه من می سوخت ، تباه می شد ، همه چیزش ، قلبش ، عشقش . مگر هم « او» نبود که بهترین سالهای جوانی و طراواتش را بپای من از کف داد و هیچگاه تاسف نخورد « او » بهر چه گفت و فادار ماند و جز آنچه من خواستم بشنوم هرگز نگفت. بیاد غم ناشناسی که همراه در چشمهای کم رنگش پرسه میزد افتادم چه غم کشنده ای بود. آیا غم من نبود ؟ غم سیاهکاریها ناسپاسی ها ندانم کاریهای من نبود که روی نی نی چشمهای او نشسته بود.

نه ، او ترک نکرد ، هنوز انگشتان نازک کوچکش را که در پنجه دستم گم می شد در کف دستم حس می کنم، در کف همان دستی که نه خط عشق داشت نه خط زندگی « او » مرا ترک نکرد ، من خواستم و او رفت چون با یک قلب دو معشوقه نمی توان داشت « او » با گذشتی دردآور سهم عشق خود را بمعشوقه دیگر من بخشید تا قلبم آرام گیرد ، خیلی ساده در یکشب که مهتاب روی زمین خیس خورده بود . مرا بوسید و گریست و رفت.

من بی عاطفه ، من نادرویش من معتاد، من ... پس از خداحافظی با او بسوی معشوقه دیگرم شتافتم تا اندوه رفتن او را در آغوشش گم کنم . آری من بسوی معشوقه سیاهکاری که همه چیز مرا حتی عشقم را گرفت شتافتم ... بسوی مرفین.

غروب کشنده خانه پر رنگ میشود و کم کم شب می آمد . تاریکی مقدس همه جا را خواهد گرفت و من چون خفاش از خانه غمگین و خاموش خود بیرون خواهم رفت . و با زندگی بیهوده و یکنواخت معتادانه خود را در پیاده روهای خیابانهای متروک آغاز خواهم کرد... آه فراموشی جاوید ...

اطـــــــلاعیه

نوبـــــت سوم

جمعیت هلال احمر استان هرمزگان

جمعیت هلال احمر استان هرمزگان ، جهت تامین نیروی انسانی خود ، از داوطلبین مرد جهت کار، دعوت به همکاری می نماید .

علاقمندان طبق شرایط درج شده زیر تا تاریخ ۸۷/۵/۲۰ ، مدارک خود را شامل : تصویر مدرک تحصیلی ، تصویر شناسنامه، تصویر کارت پایان خدمت وظیفه یا معافیت دائم با پست پیشتاز به صندوق پستی ۱۶۳۴-۷۹۱۴۵ به نام جمعیت هلال احمر استان هرمزگان ارسال نمایند.

ردیف	محل جغرافیایی خدمت	شرایط احراز
۱	شهرستان بستک	۱-دارابودن مدرک تحصیلی کارشناسی یا کارشناسی ارشد در یکی از رشته های حسابداری- مدیریت گرایشهای (صنعتی ،بازرگانی ، دولتی) -اقتصاد ۲-بومی منطقه مربوطه
۲	شهرستان میناب	
۳	شهرستان رودان	
۴	جزیره کیش	
۵	شهرستان بندرعباس	۱-دارابودن مدرک تحصیلی کارشناسی یا کارشناسی ارشد در یکی از رشته های مدیریت گرایشهای (صنعتی ،بازرگانی ،دولتی) ۲-بومی شهرستان مربوطه
۶	شهرستان بندرعباس	۱-دارا بودن مدرک تحصیلی کارشناسی یا کارشناسی ارشد در رشته عمران ۲-بومی شهرستان مربوطه

آگهی انتخاب مشاور

نوبـــــت اول

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان هرمزگان در نظر دارد بر اساس ضوابط آئین نامه نحوه انتخاب و ارجاع کار به مشاوران ، از خدمات مشاور جهت طراحی مراحل فاز یک و دو محوطه سازی پروژه ۵۲۸ واحدی وحدت شهرستان بندرعباس استفاده نماید. لذا از مشاورین واجد شرایط و دارای رتبه بندی از معاونت محترم امور عمرانی استانداری هرمزگان دعوت می گردد، ظرف مدت یک هفته از تاریخ انتشار این آگهی جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس : چهار راه پگاه - بلوار علی ابن ابیطالب (ع) - جنب کمیته امداد - بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان هرمزگان ، حوزه مسکن شهری مراجعه نمایند. ضمناً آگهی مزبور در سایت این بنیاد به آدرس : WWW.hbonyad maskan.com

بنیاد مسکن انقلاب اسلامی هرمزگان

آگهی مناقصه

نوبـــــت سوم

شهرداری بندرجاسک در نظر دارد انجام پروژه های عمرانی ذیل را از طریق مناقصه به پیمانکاران واجد الشرایط دارنده رتبه پنج راه از حوزه معاونت عمرانی استانداری واگذار نماید . متقاضیان می توانند پس از مدت ده روز از تاریخ نشر آگهی قیمت پیشنهادی را بر اساس فهرست بهاءپایه راه به دفتر فنی شهرداری تسلیم نمایند .

شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار است . ضمناً هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد .

۱ - اجرای خیابان محله ای یکبنی مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (فهرست راه ۸۷)

۲ - آسفالت کوچه ها و معبر مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (فهرست راه ۸۷)

روابط عمومی شهرداری بندر جاسک

تلفن آگهی های روزنامه دریا
۲۲۴۶۳۸۴ - ۲۲۴۳۷۳۴

ماهیگیران عزیز

استفاده از تورهای نامرئی باعث از بین رفتن نسل جوان ماهیان می گردد حفظ ذخایر آبزیان برای نسل آینده یک وظیفه همگانی است

■ معاونت صید و بنادر ماهیگیری شیلات هرمزگان اداره امورصیادان